تامل در مجهول بودن روایت حفص بن غیاث در کلام محقق اول

شاگرد۲: در معتبر می‌فرمایند: «... حفص بن غياث ضعيف، و المروي عنه مجهول، و ما تضمنه من وجوب الجمعة على المرأة مع حضورها ففيه تردد»[1].

استاد: بله، «و المروی عنه مجهول». ببینید در خود متن این حدیث درست است که بین حدیث می‌گوید «قال حفص سمعت بعض موالیهم سأل»، اما شاید مرحوم محقق به این صورت خوانده‌اند: «سمعت بعض موالیهم سأل ابنُ ابی لیلی». من «ابنَ» خواندم. ایشان «سأل ابنُ ابی لیلی» خوانده‌اند و حال اینکه «سأل ابنُ» که نمی‌شود، چون بعدش می‌گوید ابن ابی لیلی جوابی ندادشت. اگر ابن ابی لیلی خودش سائل بود که نباید بگویند چیزی جواب ندادشت. چون او مسئول بود. خب ایشان می‌گویند «و المروی عنه مجهول»، مروی عنه، چه کسی است؟ اینکه حفص می‌گوید «سمعت بعض موالیهم». من که این را خواندم به این صورت فهمیدم: من ـ حفص که حاضر بودم شنیدم برخی از موالی ائمه علیهم‌السلام از ابن ابی لیلی سؤال کردند. محقق می‌فرمایند نه، من ـ حفص از برخی از موالی شنیدم که خودش به من گفت که از ابن ابی لیلی سؤال کرد. و لذا می‌گویند « و المروی عنه مجهول». مروی عنه داریم یا نداریم؟ من که ابتدا خواندم، مروی عنه‌ی نبود. دیدم محقق فرموده‌اند «و المروی عنه مجهول». من که نگاه کردم اینطور به ذهنم آمد که شاید ایشان به این صورت معنا کرده‌اند. ببینیم ظاهرش کدام است.

> 33:09

هر چه باشد علی ای حال می‌گوید «سألت انا»، این «انا» که ذیل حدیث است، منظور حفص است؟ یا بعض موالی است؟ ابن ابی لیلی از حضرت توضیح خواست، حضرت جوابش را ندادند. بعد خودم محضر حضرت رفتم و سؤال کردم، جواب دادند. همین جوابی است که می‌خوانیم. خودم، یعنی حفص؟ یا بعض موالیان؟ هر دو ممکن است. اگر خودش حاضر بوده می‌تواند خود حفص سؤال کرده باشد. اگر نه، خودش حاضر نبوده و فقط شنیده کسی نقل کرده، «انا» بعض موالی می‌شود و آن «مروی عنه»ی که مجهول است؛ به تعبیری محقق در المعتبر.

علی ای حال، اینها را عرض کردم برای اینکه هم مطالب طلبگی خوبی ذیل آن هست و هم اینکه شما ببینید بزرگانی مثل محقق اول که در تاریخ فقه، محقق علی الاطلاق ایشان است، محقق اول هم که می‌گوییم به‌خاطر شیخ علی محقق ثانی است. و الّا محقق علی الاطلاق، ایشان است. اینطور ذهنی اینجا بحث می‌کند بچه که نیست. یا ایشان درست می‌روند یا اگر ایشان درست نرفته‌اند کاشف از این است که این بحث سنگین است. بحثش سنگین است. نه اینکه الآن کم‌بودی در

ذهن این عالم بزرگ هست. بحث حیثیات لطیفه‌ای دارد که مثل محقق قمی می‌فرمایند هم راجح است و هم مرجوح.

حاج آقا شاید از دو نفر از علماء نجف اسم بردند. در کوچه با هم بحث می‌کردند، طول کشید. یکی از آنها حرفهایی میزد که دیگری ناراحت شد. گفت جن شدی؟! حرف جن، یعنی حرفی که خیلی بیسر و ته است. گاهی حرفها به‌گونه‌ای می‌شود که باید بگوید جن شدی؟! اما اگر تمام زوایای بحث در ذهن با‌حثین حاضر شود چه بسا آن استبعادش دیگر پیش نیاید و غموضی که دارد کمکم بر طرف شود. این حاصل عرض من در اینجا بود.

---

[1] المعتبر في شرح المختصر نویسنده : المحقق الحلي جلد : ۲ صفحه : ۲۹۳

بازبینی #1
ایجاد شده 2 مه 2026 10:18:40 توسط ... .
به روزرسانی شده 2 مه 2026 10:19:30 توسط ... .